



99

ابوالفضل قاسمی : خاندانِ فیروز (نصرت الدوله)

حدیث روشن ظلم شما و ذلت ما
حقیقت است چر اصحبت از مجاز کنیم
«بروین اعنای»

ابوالفضل قاسمی

ایگارششی

یا

خاندانهای حکومتگر ایران

۱

خاندان فیروز ، فرمانفرمائیان

rouzaneha.com

rouzaneha.org



کوره را چنان برای دشمنانت داغ مکن
که خودت را نیز بسوزاند .
ویلیام شکسپیر

rouzaneha.com

rouzaneha.org



نصرت الدوله
(فیروز زمیرزا
فیروز)

فرزند نخست فرمانفرما
وعزت الدوله قاجار ،
فیروز زمیرزا فیروز است
که بعداً بسبب یافتن لقب
نصرت الدوله بیشتر با این
نام معروف می گردد .
جرج چرچیل تولد او را
در ژانویه ۱۸۸۵ م مطابق
(۱۲۷۶ خ .) می نویسد ،
ظاهراً این تاریخ نباید
درست باشد (۱) .

... P. 98 Biographical notes satesman ...



وی بهنگام سفر اجباری پدرزمان صدارت امین السلطان (۱۳۱۵ ق. ه) از فارس به عراق می‌رود و در بیروت به تحصیل می‌پردازد. ولی اندکی بعد آموزش خود را ناتمام می‌گذارد با تنبیر روش حکومت به ایران بازمی‌گردد. ابتدا دستیار پدر در حکمرانی کرمان می‌شود و همین که فرمانفرما در نخست کابینه مشروطه طلبان وزیر عدلیه ۱ می‌گردد نصرت الدوله نیز گویا برای اجرای اصول عدالت ۱ مشروطه و نمایندگی پدر حکمران کرمان می‌شود.

وی با اینکه می‌دانست پدر مطرودش بانبروی مخالفان اتابک و پاباری مشروطه خواهان بقدرت زسیده و خود نیز باعتبار پسر حکمران شده است بیهابا بیچنگه مردم آزاده کرمان می‌رود.

گماشتگان او با کینه و بیرحمی اعلام می‌دارند اسم مجلس مقدس را هر کس بر زبان برد زبان او را می‌برم و یکصد تومان جریمه می‌گیرم (۱).

بموازات این خفقان او شیوه غارت دیرین خاندان خود را در کرمان پیش می‌گیرد. پست‌ها و مشاغل را بفروش و مزایده می‌گذارد و به بیدادگری و ستمکاری می‌پردازد. بطوریکه درباره او و بیدادگری او می‌نویسند:

د این ظلم و تعدی که در کرمان است گمان ندارم در هیچ نقطه از بلاد عالم باشد. (۲)

همین که چند ماه از حکمرانی او می‌گذرد تصمیم می‌گیرد بکلی صدای آزادی را در کرمان خاموش کند ازینرو به توقیف و تبعید مردان و جوانان آزاد فکر و مبارز مانند (ناظم‌التجار) می‌پردازد.

مردم علیه آزادی کشی حضرت والا با اعتراض و تظاهر می‌پردازند. با نظم و ترتیب بطرف محل فرمانروائی فیروز میرزا راه می‌افتند.

این کارها چه معنی دارد، صدای آنها را ببرید، اجتماع مردم را پراکنده سازید. آتش گلوله بسوی انبوه مردم روزه دار باز می‌شود، گروهی مقتول و مجروح می‌گردند (۳).

حقوق مردم را برای اینکه پسر رئیس قوه قضائیه مشروطه و وزارت (داد) باید باین بیدادها برسد، عدالت فیروز جز این نمی‌تواند باشد.

ولی مردم آزادیخواه که علیه استبداد قیام کرده بود تسلیم این بیدادگریها و زور گوییها و جنایات نمی‌شوند. کرمان و تهران بشدت علیه جنایات نصرت الدوله دست بکار میشوند.

روزنامه سوادسرافیل ارگان آزادگان ایران که بیرحمانه باهر زور کومی و خود کاممی می‌چنگید، مبارزه پی‌گیر و کوبنده خود را علیه نصرت الدوله آغاز می‌کند.

۱- سوادسرافیل شماره ۳-۲- سوادسرافیل شماره ۶-۳- سوادسرافیل شماره ۱۶

دهخدا جوان رزمنده و آزادیخواه آنروز به جانپداری از حقوق مردم کرمان بهامیخیزد، حکمران جوان با فرستادن قالیچه و هدایا میکوشد صور اسرافیل را خریداری وساکت کند ولی به نتیجه نمیرسد (۱).

سرانجام فیروز میرزا از حکمرانی برکنار میشود مورد تعقیب قرار میگردد ولی نصرت الدوله باین آسانی از کرمان دست بردار نبود از همان مردمی که به گلوله بسته بود میخواهد بسود او تظاهر کنند، ابقای او را از تهران طلب نمایند.

چاقو کشان دولتی مأموران حکومتی و حتی زنان آنان در کوچه وبازار راه میافتنند بقول صور اسرافیل مردم را (بزور کشان کشان بسته تلگرافخانه میبردند که رضایت از حکومت کنند. (۲)

شمار آنان در این تظاهر و تحسین این بود (واغریب الغریبا، میرود حاکم ما) فرمانفرما کسی نبود مردم کرمان را آزاد گذارد و دست از این چراگاه بردارد بجای نصرت الدوله (سردار معتقد نوکر شخصی و وابسته او (۳) تعیین میشود .

با پیشبرد آزادیخواهان و فرار محمدعلیشاه در همه جا موج نفرت و انزجار مردم علیه نصرت الدوله بالا میگردد، از مجلس میخواهند قاتل مردم کرمان کیفر ببینند .

نصرت الدوله در ردیف مستبدان پرسابقه ومعروف نظیر حاج آقا محسن و قوام الملک . . . قرار گرفته بود (۴).

بنابراین بیم گزند بوجود او میرفت از اینرو فرمانفرما پسرش را به اروپا میفرستد تا هم از حلقه خطر برهد وهم تحصیلات خود را دنبال کند با امتیازی جدید به ایران باز گردد .

نصرت الدوله پس از پایان تحصیلات در سال ۱۳۳۰ ق . به ایران باز - میگردد پس از چند ماهی بمعاونت وزارت عدلیه گمارده میشود. انتصاب قهرمان فاجعه کرمان سبب اعتراضات و عملیات سخت در مجلس ومطبوعات بدولت می-

۱- شرح زندگانی من جلد ۳ صفحه ۳۹۱

۲- صور اسرافیل شماره ۱۳

۳- صور اسرافیل شماره ۱۶

۴- تاریخ مجلس ایران صفحه های ۸ و ۹

سفارت انگلیس مانند میرزا اسماعیل و میرزا محسن و منتخب الدوله و مئین الساعله که بقول بهرامی (بلاشبه از بستگان سفارت بودند (۱)) بدست این مردان ضد بیگانه و ضد استعمار و سد استبداد کشته شدند .

هدف اصلی آنان وثوق الدوله و نصرت الدوله سردسته عناصر انگلوفیل بود. نخست وزیر و وزیر خارجه قرارداد تنگین ۱۹۱۹ با دقت و شدت از خود محافظت میکردند. بقول فرخ با اینکه پشت هر درختی در فرمانیه کاخ نصرت الدوله نگهبانی پنهان بود و همه جا از فیروز محافظت میشد گویا سوه قصدی به پسر فرمانفرما میشود، ولی تیر بخطا میرود (۲) و با بقول تیر بدستش میخورد دستش ناقص میشود (۳) .

نصرت الدوله تمام کوشش خود را صرف کشف این کمیته میکند تا سرانجام سازمان سری انگلوفوبها را کشف میکند .

آن روزها افکار عمومی و بخصوص اندیشه نسل جوان سخت هواخواه این رزمندگان با ایمان بود، بنابراین کشتن همه آنان در تهران کار دشواری میبود . منشی زاده و ابوالفتح زاده میرزترین مردان کمیته محکوم به تجمید می-شوند آنان را به سمنان میفرستند ولی طبق نقشه طرح شده وسیله نصرت الدوله در تهران و بدست معیث الدوله برادر زنتش و رئیس ژاندارمری سمنان، آنان را بقصد بردن به دامغان از شهر بیرون میکنند، وقتی دلچیان آنها از شهر دور میشوند آنان را از دلچیان پیاده کرده هدف گلوله قرار میدهند. سپس چنین گزارش و وانمود میکنند که چون زندانیان خود را از دلچیان بیرون انداختند و قصد فرار داشتند بعد از اخطارهای مکرر هدف گلوله ژاندارمها قرار گرفتند و کشته شدند .

وزیر عدلیه (عدل مظفر) اینچنین بدون محاکمه و حکم اعدام دو نفر از ارزنده ترین مردان آزاده ما را سرینست میکند .

ولی چقدر تسلی دهنده و غمزداست وقتی ما بعد از ۱۷ سال (۱۳۱۶ خ.) وارد این شهر شویم می بینیم خونهای ناحق این مردان به شاهزاده امان زندگی بیشتر نمیدهد .

۱- تاریخ اجتماعی و سیاسی ایران صفحه ۴۹۵

۲- خاطرات سیاسی فرخ صفحه ۱۶

۳- مجله خواندنیها ۳۶۱- ۱۸ اسفند ۱۳۳۶

اسماعیل مرده شوی مشغول غسل بدن مسموم قاتل آزادگان و وزیر کابینه مخیرالسلطنه است .

عباس میرزا اسکندری دزد نیاله جلد دوم کتاب آرزوی خود در شماره ۷۳ سال ۱۳۲۱ روزنامه (سیاست) در قسمت دوم ادعای مدعی العموم علیه خیانتکاران کشور در این باره چنین مینویسد :

و در زمان وزارت عدلیه نصرت الدوله عده ای از افراد کمیته مجازات مجدد توقیف قسمتی اعدام و بعضی محکوم بحبس و برخی از تهران به سمنان تبعید و در آنجا بعنوان آنکه میخواهند فرار نمایند بنا بر دستور مقتول گردیدند. این عمل بنظر مدعی العموم جرم بینی بشمار میرود، اگر اشخاص مزبور محکوم بزرگ شده بودند یا اینکه حکم بفلط صادر شده باشد، کشتن آنها به آن اندازه گناه نیست تا اینکه کسی را بحق و یا بیاطل محکوم بحبس نموده باشند آن وقت در حبس او را بیهانه مقتول سازند . ۴۱

کابینه قرارداد

دومین باریکه ایشان به مسند وزارت تکیه میزنند در کابینه دوم وثوق الدوله است در این کابینه مهمترین پست وزارت خارجه به نصرت الدوله واگذار میشود .

بزرگترین کار این کابینه و شاید خیانتکاران اعمال دولتهای دوران قاجار بستن قرارداد ۱۹۱۹ با انگلیسها است .

بقول (بالفور)

در لندن تصمیم گرفته میشود ایران تحت الحمايه انگلستان قرار گیرد تا سد محکمی در برابر کمونیس کشیده شود . چرا گاههای امپریالیسم در شرق از دستبرد حرف خطر ناک و ضد سرمایه داری و ضد استثمار محفوظ بماند .

۱- نظر اسکندری اشاره به تعقیب قاتلین نصرت الدوله بوسیله مظفر فیروزپرش در زمان وزارت دادگستری مجید آهی و صدور ادعای علیه آنها و محاکمه قاتلان بوسیله علی اکبر موسوی زاده

به گفته لانسینگ وزیر امور خارجه امریکا ابتدا بطور پنهانی این قرارداد با گروه کوچکی از سیاستمداران منعقد میگردد (۱) سپس طرح آن در ایران پیاده میشود.

اصولاً برای شناخت ماهیت این کابینه کافیت به گزارش نورمان وزیر مختار انگلستان به لرد گرزن توجه شود تا معلوم گردد این کابینه در میان مردم و رجال ملی چقدر پایگاه و نفوذ داشته است .
شماره ۶۱۰ - ۸۰۸ - ۱۲ دسامبر ۱۹۲۰ گزارش نورمان به لرد گرزن .

دولت وثوق الدوله ماهانه سیصد و پنجاه هزار تومان برای ساکت کردن مخالفان بمصرف میرساند (۲)

برای پی بردن به میزان خیانت اینان نسل جوان و آگاه باید قرارداد ۱۹۱۹ و کتاب باطل الباطل را بخواند تا بداند پسر معتمد السلطنه و فرزند فرمانفرما چه خوابی برای ملت مادیده بودند.

در این نوع مسائل گاهی کار با حسن نیت و قصد خدمت آغاز میگردد کما اینکه سید ولی اله خان نصر و گروهی از سیاستمداران ایران اعتقاد داشتند حفظ استقلال ایران بدون ارتباط و اتکاء بانگلستان عملی نیست و در راه این عقیده هرگز آلودگی پولی و مالی هم نداشتند و اگر عاقدان قرارداد ۱۹۱۹ صرفاً روی این نیت و بدون رشوه گیری اینکار را کرده بودند کیفر خیانت آنان سبکتر و قابل توجیه بود.

(خود انگلها اعتراف کردند برای عقد قرارداد یکصد و سی هزار لیره خرج کرده اند از این مبلغ دویست هزار تومان وثوق الدوله و صد هزار تومان نصرت الدوله و صد هزار تومان هم به صادم الدوله وزیر مالیه وقت و مقداری هم بین مدیران جراید موافق و اشخاص متنفذی که طرفدار قرارداد مزبور بودند قسمت شد.

برای تأیید نظر فوق قسمتی از یادداشت های آقای م.م. را از نظر خوانندگان گرامی میگذرانیم.

به تحقق پیوست که برای عقد قرارداد ... کابینه وثوق الدوله از سفارت

۱- میراث خوار استعمار صفحه ۵۴۳

۲- مجله دنیا سال ۱۳۴۷- ص ۱۰۴ اسناد وزارت خارجه

انگلیس پولی گرفته بود که بین اعضاء کابینه تقسیم کند مبلغ آنرا یک کروور تومان میگفتند .

ولی آنچه بعدها مسام شد آنکه از آن پول دوست هزار تومان سهم وثوق الدوله صد هزار تومان سهم فیروز و یکصد هزار تومان سهم اکبر میرزا مسعود سارم الدوله بوده است (۱)

و اما بامداد میفویسد : (نصرت الدوله با گرفتن شصت هزار لیره اعتبار ازمحل درآمد شرکت نفت انگلیس و ایران در سال ۱۲۹۸ خورشیدی بهمراه احمدشاه باروپارفت (۲)

و بنا باظهار شفاهی ایشان بنگارنده این شصت هزار لیره وری یکصد و سی هزار لیره است که سه نفرین خود و گروهی تقسیم کردند

ابراهیم خواجه نوری با نکویش از قرارداد، اظهار نظر میکنند : (در ایران بجز خود امضاء کنندگان قرارداد ۱۹۱۹ یک نفر نبود که آن پیمان را وطنفروشی و امضا کنندگان آنرا وطنفروش و خائن ندانند (۳)

سر کلارمونت اسکریین قنصل انگلیس در مشهد در یادداشت‌های خود نصرت الدوله و دویار دیگر عاقد قرارداد را (آنکلوویل حرفه‌یی) معرفی میکند (۴)

(میروشینکف) در بررسی ارزنده و محققانه خود این کابینه را آنکلوویل نوشته و معتقد است قرارداد ۱۹۱۹ ایران را تبدیل به (مستمره واقعی انگلیس) کرد (۵) .

(از کارهای خیانتکارانه این کابینه که بی تردید نصرت الدوله نقش مهمی در آن اعمال کرده است بکثرت موافقت ظاهری و با پنا بنطق لزد گرز در مجلس عوام انگلستان موافقت صورتی با تشکیل پلیس جنوب در فارس و کرمان بود... (۶)

۱- تاریخ بیست ساله صفحه ۹۹ و ۹۸

۲- تاریخ رجال ایران جلد ۳ صفحه ۱۱۴

۳- بازیگران عصر طلایی صفحه ۱۹۵

۴- جنگ جهانی اول (روزنامه کیهان ۵۷۹۸)

۵- ایران در جنگ جهانی من ۷۳-۸۰

۶- تاریخ تحولات سیاسی ایران من ۲۱۵

مستوفی الممالک آنرا بمنوان (يك قوه متجاوز خارجی) اعلام میدارد مردم ایران بخصوص تهرانیان بنظاهر و مبارزه وسیع و بی گیر دست میزنند ، تهران قیافه يك شهر انقلابی را بخود میگیرد، بطوری که سفارت انگلیس از ترس خشم و نفرت مردم کتباً رسمیت چنین سازمان را تکذیب میکنند و یکی دیگر از خیانت های فیروز نقش بر آب میشود.

بخاطر این نوع فعالیت ها ، وزارت خارجه روسیه در این روزها بریتانیا را (حاکم بلامنازع ایران) میخواند(۱)

عبداله مستوفی نصرت الدوله را (کارچاق کن) قرارداد ۱۹۱۹ و به اصطلاح دلال فروش ایران در بازار لندن میداند و برآستی با کوشش و تلاش همه جانبه نصرت الدوله بساید او را عامل و عاقد اصلی قرار داد شمرد ...

بعد از مخالفت ها و تظاهرات سخت همه جانبه ملیون و مردم علیه قرارداد ۱۹۱۹ چون دوره فترت بود دولت تصمیم میگیرد پیش از انتخابات مراحل قانونی و رسمی قرارداد را پایان دهد، شاه و مردم را در برابر عمل انجام شده بگذارد.

بهترین راه برای اینکار قبولاندن قرارداد به احمدشاه بود. روی این نظر از طرف پادشاه انگلستان از احمدشاه ده و تی به عمل می آید و بقول عشقی شاعر شهید ایران لرد گرزن وزیر امور خارجه انگلستان نصرت الدوله «سینه سیاسی» خود را يك هفته قبل از مسافرت شاه برای ترتیب مهمانی و پذیرایی و تحمیل قرارداد به لندن احضار مینماید. همینکه حضرت والا وارد لندن میشود ، مهمانی رسمی برای او برگزار می گردد .

در همین مهمانیست که لرد گرزن وزیر امور خارجه انگلیس ضمن سخنرانی رسمی درباره نصرت الدوله چنین میگویند. «ما امشب مقدم میهمانان خود را از چندین نظر تبریک و تهنیت میگوئیم اولاً از نقطه نظر مقام شخصی زیرا یکی از شاخصترین سیاسیون مملکت خویش و یکی از دوستان حقیقی و وفادار بریتانیای کبیر و یکی از علاقمندان بقرارداد است که اخیراً بین دولت وی و دولت ما منمقد گشته است...»

۱- ایران در جنگ جهانی م ۹۰-۹۶

وقتی شاه بانگلستان وارد میشود ژرژ پنجم را با استقبال او میفرستند او را بیک شام رسمی که عموم سیاستمداران و نمایندگان سیاسی ملل دنیا در آن حضور داشتند دعوت مینمایند، و البته نظرشان از این مهمانی این بود که در حضور نمایندگان ممالک دنیا موافقتی از رئیس مملکت ایران درباره رسمیت قرارداد ۱۹۱۹ بگیرند.

معمولاً در این مهمانی‌ها نطق‌هایی می‌شود لرد گرز و نصرت الدوله نطق شاه را با تأمین نظرات انگلستان تهیه مینمایند، نصرت الدوله شخصاً آنرا نزد شاه میبرد.

شاه در کاخ بوکینگام پالاس وقتی متن نطق را میبیند سخت عصبانی شده بر روی عبارات و جملات مورد نظر انگلستان خط میکشد.

نصرت الدوله بنر می و درشتی شاه را متوجه موقعیت حساس سیاسی خود می‌کند و مصرأ از او می‌خواهد متن نطق لرد گرز را بدون تغییر ایراد کند و همینکه از تلاش خود نتیجه نمیگیرد نصرت السلطنه و ناصر المالك و سایر رجال و مقربان شاه را واسطه قبولاندن اینکار می‌کند.

ولی احمد شاه تصمیم خود را گرفته بود و بقول خود کلم فروشی و حمالی در پاریس را ترجیح باین نوع سلطنت میداد که دست نشاندگی بی‌گانه باشد ...

نصرت الدوله پس از تقلای زیاد دست آخر باز خود نزد شاه میرود شاه و سلطنت را در صورت عدم اجرای قرارداد مخاطره‌انگیز و انمود می‌کند و با کمال پروتئ به احمدشاه می‌گوید: «قربان شما را برای همین بلند دعوت کرده‌اند».

شاه از اصرار و تهدید و وقاحت نصرت الدوله دگرگون می‌شود، دست او را می‌گیرد از اطاق بیرون می‌اندازد. غافل از اینکه زور او و اربابش خیلی زیادتر از زور پادشاه دموکرات ایران است.

و بقول مستوفی (با همه روستی که نصرت الدوله در این زمینه بکاربرد سهل است ناصر المالك را هم برای انجام این منظور بکمک خود طلبید کاری پیش نبردند و شاه بدون هیچ اظهاری بر نفع قرارداد به پاریس محل اقامت همیشگی خود مراجعت نمود. (۱)

۱- شرح زندگانی من ... جلد ۳ ص ۱۲۲

من باید بدانم! این پرنس فیروز
نماینده ملت ایران است یا
وکیل دولت بریتانیا !!

rouzaneha.com
rouzaneha.org

پرزیدنت ویلسون

(رئیس جمهوری آمریکا)

یکی از خیانت‌های دیگر نصرت‌الدوله در این مسافرت تغییراً مودرن مخالف قرارداد ۱۹۱۹ در خارج ایران است که حسین مکی در این باره چنین مینویسد:
(نصرت‌الدوله وزیر خارجه در اسلامبول بدون اطلاع احمد شاه احتشام السلطنه را بملت آنکه مخالف قرارداد اوت ۱۹۱۹ بود مزول مینماید، زیرا مشارالیه صریحاً گفته بود که کابینه و ثوق‌الدوله را بر سهیت نمی‌شناسم. (۱)

همین نویسنده در جای دیگر درباره یکی از تغییرات دیگری که توسط حضرت والا پرنس فیروز انجام شد مینویسد : (در پاریس نیز نصرت‌الدوله وزیر خارجه سمدخان ممتاز السلطنه را که با عقد قرارداد مخالف بود بدون مشورت و اجازه شاه از سفارت عزل و سفارتخانه دیگری با بیرق دیگر در محل دیگری بر سر پا کرد و خودش در سفارتخانه مشغول کار شد و لسی پلیس فرانسه این بیرق را پائین آورد و کماکان سمدخان ممتاز السلطنه را با سفارت ایران شناخت و این عمل توهینی بود که از طرف دولت فرانسه بجمایت‌شاه بر ضد نصرت‌الدوله وزیر خارجه ایران معمول شد (۲) .

کتاب اسرار سیاسی در صفحه ۱۰ درباره فعالیت نصرت‌الدوله در پاریس می‌نویسد : روزی که نزد ممتاز السلطنه بودم از ایشان پرسیدم در ایامیکه هنوز مذاکرات صلح با حضور رؤسای دول متفق در پاریس جریان داشت شنیدم شخص مسترویلسن رئیس جمهوری آمریکا نسبت بدعاوی ایران راجع بفرامات و خسارات دروی موافق نشان داده بود آیا چه شد نتوانستیم از موافقت يك چنین شخصی استفاده کنیم؟ ممتاز السلطنه با قیافه محزونی گفت کی برای شما این مطلب را گفته است؟ گفتم نیل‌الدوله که وزیر مختار ایران در آمریکا

۱- تاریخ بیست‌ساله جلد ۲ ص ۳۰

۲- تاریخ احمد شاه ص ۵۵

✽ اسرار سیاسی در راه سلطنت رضا شاه صفحه ۱۰

بود حکایت نمود که چگونه ... زمینه را برای ملاقات نصرت الدوله وزیر امور خارجه ایران که در پاریس بود با مسترویلسن فراهم آورده بود، ممتازالسلطنه گفت: نبیل الدوله هم در این مقصد با ما کار می کرد. اما شما می دانید نصرت الدوله بفرنگ آمده بود تا از دریچه قرارداد انگلیس و ایران حرف بزند، امکان نداشت بتواند اطمینان آمریکا و فرانسه را جلب کند. آیا می دانید مسترویلسن در حق او چه گفت؟ ...

مسترویلسن گفت: ... من باید بدانم این پرنس فیروز نماینده ملت ایرانست یا وکیل دولت بریتانیا، و بواسطه همین خدمتگذاریها و خوشرقصیها و اعتماد و وثوق کامل ارباب باو بوده است که در همین مسافرت ایشان از طرف پادشاه انگلستان بدریافت نشان های شوالیه، صاحب صلیب بزرگ میشل و جرج مقدس و سن موریس، الا از مفتخر می گردد.

نخست عامل نفت

یکی دیگر از خیانت های نصرت الدوله در این کابینه و در واقع از عواقب زیانمند ناشی از قرارداد ۱۹۱۹ موضوع نقش نصرت، سوله در مسئله نفت جنوب است در سفر یکی وی برای استوار ساختن اصل قرارداد ۱۹۱۹ به لندن می کند: (بر حسب توصیه دولت انگلستان ارمیتاز اسمیت را بسمت مستشار مالیه ایران تعیین می کند) این کاندیدای استعمار وقتی در ایران مستقر می گردد که بوسیله نصرت الدوله تسمیم می گیرند کلیه دعاوی ایران را در مورد نفت جنوب با پانصد هزار لیره تمام کنند: ولی خوشبختانه با سقوط کابینه این خیانت نصرت الدوله ناقص و انجام ناپذیر می ماند.

در کابینه بعدی مشیر الدوله زیر بار این معامله نمی رود، در نتیجه چانه زدن دعاوی ایران بدو برابر مبلغ قطع شده حضرت والا، افزایش مییابد ارمیتاز اسمیت مبلغ يك میلیون لیره را در این مورد می پذیرد (۱)

۱- پنجاه سال نفت ایران ص ۳۴۱

ترور چهار مرد

نصرت الدوله تصمیم گرفته بود بهر بهایی شده است ایران را تسلیم اربابان نماید، در روزهای درگیری نبرد بین حامیان قرار داد و مخالفان چون می بیند کاری از پیش نمی رود حیات وجود گروهی از رجال برجسته و خوشنام آنروزی را مانع انجام نقشه خود می داند دست بکار خطرناکی می زند که اگر در این مورد دست کتبی و محکم و نظر مخبرالسلطنه نبود در حقیقت آن میتوان تردید داشت . بنا به نوشته های حزب دموکرات و شهر بائی و سند اهل هر دو حقیقت این توطئه ترور آئین حضرت والا می پذیرند . بطوریکه در بخش نامه صادره کمیته دموکرات می بینید نصرت الدوله چهار نفر تروریست معرفی می کند مخبر السلطنه، مستوفی المالک، مؤتمن الملک و مشیر الدوله را یکشنبه (۱) البتّه آنروزها سیاست استعماری انگلیس از هر چه اقدام از این چهار نفر خوشش نمی آمد .

انگلیسی کردن ایران

کابینه وثوق الدوله با خواری و نفرت عمومی سقوط کرد نقشه استعمار ایران بدست امپراتور انگلیس از ایشراش نقش بر آب شد ولی داوینیک استریت نقشه دیگری برای (انگلیسی کردن ایران) طرح کرد .

کمیته زرگنده که در رأس آن وثوق الدوله ، نصرت الدوله و سید ضیاءالدین طباطبائی قرار داشت برای کودتا به تقلا افتادند . ظاهراً نصرت الدوله از دو همکار خود جلو بود برای اینکه تمام کاسه و کوزه قرار داد ۱۹۱۹ بر سر سر متمدن السلطنه شکست سیدضیاءالدین نیز جوان نوحاشه ناشناخته . بی نفوذ بود . ولی (نورمان) وزیر مختار انگلستان با نصرت الدوله موافق نبود و (توماس هاروارد) دبیر متنفذ سفارت از این شاهزاده خود خواه چندین خوشش نمی آمد .

فیروز میرزا راه لندن را پیش گرفت تا با کمک یار دیرین خود و ارباب بزرگ (لرد کرزن وزیر امور خارجه) کار را یکسر کند .

۱ . خاطرات و خطرات صفحه ۴۴۲



مردود است

میرالدوله

آقا جان میرالدوله مؤمنی آتاک منزه الای
 ان ذی فرستیم مؤمنی که با بن کسند و سید نصره الدوله
 در مقابل بندگرفی تعهد کرده که همه اعدای هار و فرزند
 هار هزار تومان بدهد و هر که از ما نفهم بر آید فرستاده
 که واسطه آنرا فرستادیم و او را بفرستادیم و سید و سید است
 چون این کسند بولایت احوال است کشف اسمی آید
 محاله لایم بخندان قطعه امداداتی شافریه و ا
 برسد و این اوقفت کریں سوار و آنرا بفرستادیم و سید
 ممانع سزای که در آن سید آگاهند منکر کنند
 عموکریه و اقامت کند و سزای وضع جانان سارمه آید
 هنر در صدد امرای فرستیم و باره خانی برساندیم
 که مبادا امدادات دولت در آن ممانع و اسباب شرف
 نماند فایده آنها کرده مگر استگد خانه با این امداد منحص
 شود



با اینکه کرزن که بقول دکتر لنجانفسکی (ارزش واقعی واحساسات ملی مردم را درک نمیکرد (۱) با نصرت الدوله موافق بود ولی گروهی از دیپلماتهای انگلیسی این کاندیدا را رد میکردند .

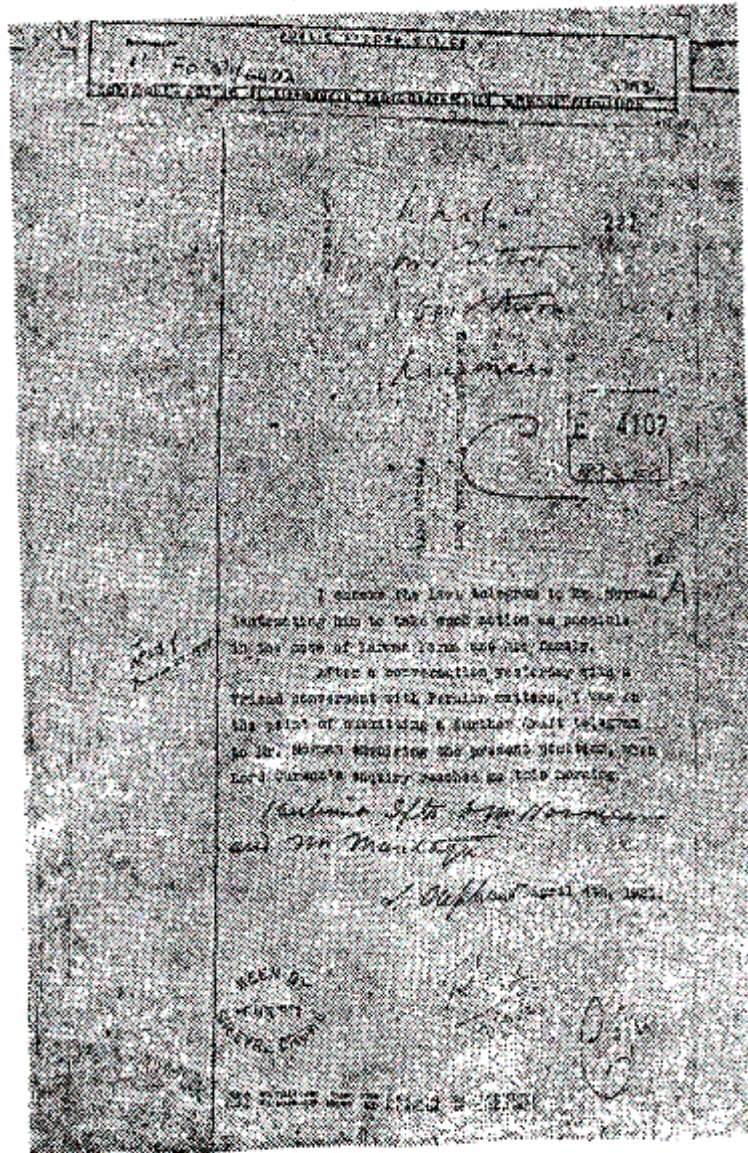
نصرت الدوله با اطمینان لندن را ترک گفت و داه ایران را پیش گرفت پیش از ورود بایران در بغداد (سرپرسی کاکس) وزیر مختار بغداد و دوست دیرین خود را ملاقات کرد. از او یاری خواست ، سپس به گورمانشاه نزد فرد شماره سوم قرارداد ۱۹۱۹ صدارم الدوله حکمران غرب رفت اوراد جریان کار و مأموریت خود گذاشت. (حسین مکی) معتقد است نصرت الدوله که از لندن مأمور ایفای این نقش می شود با برف و باد و کولاک و سایر موانع جوی و طبیعی وقتی سرعت خود را به تهران میرساند که کار را

یکسره کردند و برای اینکه از تحریکات و دسایس نصرت الدوله

در امان مانند او را به حبس انداختند اتومبیل (رولس رویس) او را که برای موفقیت جدید خود آورده بود تصرف کردند . ولی رضاشاه که در این مورد احساس ملی و ناسیونالیستی خود را در داخل در بازداشت او میدانند چنین مینویسد (من دستور دستگیری شاهزاده فیروز ... را که در معاهده ۱۹۱۹ ایران را فروخته بود دادم (۲) بازداشت بزرگان خاندان فیروز (پدر و دوسر) سخت آنان را بنگاهو انداخت که یکی از این اقدامات توسط عزت الدوله مادر نصرت الدوله به آقاخان محلاتی است که اسناد آن در وزارت خارجه انگلستان موجود است. ایرل کرزن Earl Gurzon در ۳۰ مارچ ۱۹۲۱ بطور محرمانه به

۱ - تاریخ خاور میانه صفحه ۱۶۸

۲ - یادداشت های رضا شاه : صبری



فتوکپی یکی از اسناد وزارت خارجه بریتانیا درمورد (خاندان فیروز)
که بوسیله آقای اسماعیل رائین نویسنده و محقق نامور در اختیار
نگارنده قرار گرفته است

وزارت امور خارجه انگلستان نامه مینویسد و ضمن ارسال نامه های آقاخان محلاتی و عزت الدوله می خواهد در مورد آزادی فرمانفرما و پسرانش از طریق دیپلماسی اقدام کند. عزت الدوله در نامه ۲۱ مارس ۱۹۲۱ از آقاخان می خواهد نفوذ خود را در مورد رها ساختن شوهر و فرزندان او از زندان حکومتی بکار برد. آقاخان نیز در نامه (۱۹۲۱/۳/۲۶) خود از موتاگه ینگ مقام مؤثر دولتی انگلستان می خواهد در این مورد جفا اقدام کند. مطلب جالب در این گزارش بخش پایان نامه است که آقاخان باین جمله ابراز خدمت گزاری امضاء می کند: غلام خانه زاد (Yours Ever...)

وزارت خارجه انگلستان نیز از فرمان سفر کبیر انگلستان در ایران می خواهد بدرخواست دختر مظفرالدین شاه و آقاخان غلام خانه زاد و گزارش مقامات انگلیسی توجه کند اینک یکی از این اسناد و آخرین نامه مربوط به پرونده (F O . 371/6402) در اینجا کلیشه و چاپ میگردد.

جنون سیاست !

دختر مظفرالدین شاه شوهر و بویژه نصرت الدوله فرزند خود را به خوبی نمیشناخت و اگر از عملیات فرزندش آگاه بود هرگز دست بدین تشبیهات نمیزد.

بررسی گزارشات (بالفور، هاردینگ، کورزن، نورمان، کاکس...) و اسناد وزارت امور خارجه بریتانیا به خوبی پرده از ماهیت سیاسی پسر فرمانفرما برمی گیرد در این میان جز لرد کورزن که بقول خودداری یکتو معنی سیاسی (Political Inebriety) و یا بنوشته (ارل اف رونالد شای) و محمود محمود مبتلی به جنون سیاست بود (۱) هیچکس بر عملیات جنون آمیز نصرت الدوله صحنه نمیگذاشت.

نصرت الدوله در راه انگلیسی کردن ایران از هیچ اقدام ضدمملی و استعمار گرانه خودداری نمیکرد و بگمانش باین خوش رقصی ها بهتر میتواند نوکر مآبی

۱- تاریخ روابط سیاسی ۱۷۵۷/۶ و ...

The Life Of Lord Curzon : E. R. 3vls

خود را باثبات رساند و بهمین جهت باو عنوان سرسخت ترین مدافع استعمار (۱) خود را (Staunchest Defenders) می‌دهند، کاکس سفیر بریتانیا در گزارش سری خود در ۱۵ مه ۱۹۲۰ م. اورا (آنکلوفیل (۲) میخواند .

نصرت الدوله برای بی‌ارزش نشان دادن ایران و ایرانی بهر عملی دست میزد . بعد از مخالفت مردم و پادشاه باقرارداد ۱۹۱۹ برای بی‌آبرو کردن و ناچیز نشان دادن حکومت ایران و شخصیت احمدشاه در محافل لندن و پاریس با اقدام دامنه دار میپردازد ، علیرغم کوشش ایران و دوستان اروپایی و آمریکایی و وطنخواهان ایرانی و قبحانه ارزش ملت و کشور ایران را بعد ممکن پائین می‌آورد (۳)

یادداشت مستر بالفور نخست وزیر انگلستان در ۵ ژوئن ۱۹۲۰ به هاردینگک نشان می‌دهد که فیروز چگونه با سماجت و وقاحت و بمنوان نماینده رسمی ایران می‌خواهد روح تنگین قرارداد ۱۹۱۹ را به جامعه ملل بقبولاند و با صراحت میگوید: ایران کشور مستقلی نیست، یک کشور دست نشانده (۴) Puppet و عروسکی در دست استعمار است، چنین کشوری حق ورود و شرکت و طرح دعوی در جامعه ملل ندارد و اینچنین ملتی را از حقوق مسلم سیاسی خود محروم می‌سازد .

شاید نتیجه این نوکرسفنی های فیروز بود، نصرت الدوله و پدر

و برادرش بلافاصله بازداشت میشوند

لزد کردن بدنیال اقدامات عزت الدوله و آقاخان وقتی از مأمور خود در تهران می‌خواهد در رها ساختن او از زندان اقدام کند، مستر نرمان با اظهار تأسف، از انجام دستور وی عنذر می‌خواهد و پاسخ سر بالا باو می‌دهد (۵)

Documents On British Foreign Policy. Vols. 6 .P. 461-470-489-503-703-721-727
732-735-741-...



چاره کژدم زده کشته کژدم بود

در روزهایی که نصرت الدوله در قصر فجر در زندان هم مسلک کمیته زر کننده خود (سید شیاه) بود و میاندیشید چگونه یک سید ملای جوان سی ساله با عبا و عمامه و استفاده از عوام فریبی توانست او را (اوت) کند یکبار در بجر تفکر چشمش به سید ملای دیگری افتاد که در کنار او زندانی بود که گویی دنیا را به شاهزاده پلیتیسین ایران دادند .

به! باقتم چاره آن سیدملا را این سیدملای کند ، این یکی (پوانهای) بیشتر از او دارد. زبان آبروشجاع ، محبوب ، خوشنام است با این سید جوان اسفغانی مستوان آن سید ناقلاهی یزدی را (ناکاوت) کرد، از آن ساعت نصرت الدوله به مدرس در زندان کودتاگرم گرفت.

زودی صحبت آندو گل انداخت و بقول معروف همدیگر رادرك کردند برای اینکه هر دو فعلا يك چیز میخواستند و آن مالاندن کودتاچیان بود . وقتی آنان از زندان رها شدند با اینکه نصرت الدوله آفرروز از پرتجمل ترین و متعددترین جوانان اشراف بود روابط خود را با همدرس آخوندیکه پاکباز، وارسته بود و هنوز زندگی ساده مردمی را تغییر نداده بود تمام درو دربار ، خدم و حشم ، اندرونی و بیرونی او را يك اطاق فسقلی سه در چهار تشکیل میداد که آن را با پرده ای دو قسمت کرده بود بیشتر کرد و خود را از هواخواهان محبوبترین پیشوای آن روز مردم و روحانیت نشان داد. شاهزاده فیروز بیشتر روزها را چند ساعتی با اعمال شاقه در محله جنوب شهر و میان مردمی که از آنان بیزار بود در حضور مدرس میگذراند، چهارزانومی نشست. براستی او مانند پدرش در سیاست پشتکار و استعداد عجیب داشت؛ او میدانست با سیاهیایی که بر روی او افتاده است چه مدرس دیگری قادر نیست این سیاهیها را سفید و انمود کند ، از اینرو با لباس مدرن و اتو کرده خود مؤدب در اطاق مدرس روی زمین مینشست، تمام متلکهای مدرس را پیش همه قورت میداد تا اینکه هنگام بهره برداری از این سید رسید.

اعتبارنامه یکی از عاقدین قرار داد ۱۹۱۹ و رشوه بگیر لندن در مجلس مطرح شد ، نمایندگان شدت بسر او حمله بردند ، مدرس بعنوان موافق با اعتبارنامه نصرت الدوله صحبت نمود ، بارش گرو گذاردن او را وارد مجلس کرد . نصرت الدوله در اندک مدتی پارلمان ایران را قبضه کرد.



کاظم اتحاد روزنامه نویس که خود در این دوره نماینده مجلس بوده است درباره او مینویسد: (شاهزاده فیروز یک رجل سیاسی و عاقل و مدبر و در مسائل عمیق و تحصیل کرده و در عین حال پشت هم انداز بود وقتی در مجلس سمت نمایندگی داشت بدون اینکه در یکی از فراکسیونهای پارلمانی عضویت و یا تمهیدی قبول نماید زمام امور اکثریت را در دست گرفته بود...

بدون دخالت مشارالیه کوچکترین مسئله‌ای از مسائل مملکت حل و فصل نمیشد و اگر برای دخالت از موافقی پیش می‌آمد بطریق غیر معمولی و غیر مستقیم آن موافق را بر طرف می‌نمود منزل نصرت الدوله باندازه کلوب و باشگاه یک حزب منظم و قوی مرکز حل و فصل امور سیاسی بود.)

شخصیت نصرت الدوله از جهات مختلف مورد توجه نمود قرار گرفت، طبق نصایح سیمرغ او بین دو پیشوای با شخصیت و بزرگ سیاسی آن زمان مدرس و مشیر الدوله را بهم زد، مشیر الدوله با نطقی که بقول عشقی (مشت همه را وا کرد) از نخست وزیری کنار گرفت و اینچنین نخستین خدشه به ناحت قدس و ملی مدرس وارد آمد. ولی هنوز سیمرغ زیبا کار داشت. بنابراین لازم بود این سپید بکندنده بیشتر لکه دارو بد نام شود، تا باسانی بتوان یقه او را از آن پایگناه بر سر پا کسی و قدس بر گرفت، و بر خساک مسذلت فرو کوفت.

نصرت الدوله هر چه بیشتر خود را به مدرس نزدیک میکرد این تقرب باعث بیشتر جدایی مدرس از مردم میشد.

بیچاره مدرس سالها ذره ذره آبرو جمع کرده بود حال این همه نیرو و آبرو را بر سر بی آبرویی نصرت الدوله میگذاشت؛ دفاع یک مرد پاک و وطنپرست و ضد بیگانه و یک آخوند ساده از یک دیپلمات ماکیا و لیس و آنگلو نیل کار آسانی نبود، ولی بهر صورت اینکار بگردن مدرس افتاد.

مدرس گرچه از نصرت الدوله دفاع میکند ولی چون نتیجه تطهیر بود دامن پاک آقا نیز آلوده میگردد. این چند جمله آخر نطق مدرس تحت عنوان (حیوان جلال) کثافتخوار در مجلس بود:

در اینکه نصرت الدوله علف هرزه خورده است جای هیچ شبهه و تردید نیست ولی می‌گویند توبه کرده‌ام اگر چه توبه گر که مرگ است ولی بعقبده من خوب است فسایده وجودی او را برای وضع حالیه در نظر آورده او را بپذیریم. تا ضمناً معلوم شود تا چه اندازه در توبه خود پایداری خواهد کرد... (۱)

مدرس تا رفت به اهمیت گناه سیاسی خود ، رنجاندن مشیرالدوله و سلیمان میرزا، دورافتادن از مردم، متهم شدن بهزار گرایش های دومی و بیرونی پی پیرد دید بین او و نصرت الدوله فرسنگها فاصله افتاده است تمام مظالمه ابر گردن او بماند زرها را فیروز پیرد.

توبه گرگ مرگ است

بهنگام معرفی همین کابینه (موریس پرنو) در تهران بود و می نویسد نخست وزیر برای معرفی هیأت وزیران پشت تریبون پارلمان قرار گرفت اما در اینوقت یکی از نمایندگان بطرف کرسی خطابه رفت وی سلیمان میرزا (محسن اسکندری) رئیس دسته دموکرات و لیبرال جدید مخالف بود ، گفت: فیروز خائن است، گذشته سیاسی او ویرا محکوم میکند مجلس متشجع شد و بهم خورد.

با تشکیل مجلس کارها برای آغاز سلسله پهلوی رو براه گردید در این تدارکات نصرت الدوله از عوامل مهم بشمار می رفت عباس اسکندری در این مورد مینویسد: (پیش از اینکه مجلس رای خود را بدهد حکومت وقت که نصرت الدوله و شاگرد ارسطو و سردار معظم خراسانی گرداننده واقعی آن بودند بنابر پیش بینی و صلاح اندیشی دستور توقیف ولیعهد را در عمارت گلستان صادر نمودند) سپس نویسنده خوشرقعی یادوهارا از راه توهین بولیمهد بمنظور نزدیکی بیشتر بمرکز قدرت چنین مینویسد : (ببها آنه اینکه اسلحه نداشته باشد مدتی تا زیر پیراهن ولیعهد را تنیش میکنند (۱) و مثنی زنان ایرانی را که وسیله کامجویی ولیعهد هوسران قرار گرفته بود مورد توهین ضد انسانی قرار میدهند.

نصرت الدوله بهمراه داور و تیمورتاش از ارکان اصلی استقرار قدرت بشمار میرفتند! اسکندری باین سه رکن نام حکومت مثلث (Trimvira) میدهد ، ولی باید دید کدامیک از این سه شخصیت برتری فکری و سیاسی نسبت بدیگران داشت .

طرد دکتر میلسپو

پول و اعتبار عامل مهم هوسارمان است وجود دکتر میلسپو در وزارت دارائی نصرت الدوله عامل نامحرم و اخلال برک بود بخصوص اگر این عامل از (ینکی دنیا) باشد. نصرت الدوله که در کمین دکتر بود خیر زمین ساز کودتای

۱- کتاب آرزو شماره ۸۷ روزنامه سیاست

امیر جان محمد خان فرمانده لشکر شرق بهانه‌ی بدست شاهزاده داد تانقشه‌دیرین خود را انجام دهد.

وقتی رضاشاه از توطئه آگاه می‌شود تصمیم می‌گیرد خود پیشوا زحادثه رود، نطفه خیانت را در رحم خفه کند.

نصرت الدوله در این موقع با صورت حق بجانب پوست خربزه زیر پای دکتر میلسپو می‌اندازد، مستشار مالی به آنکه از اهمیت سفر نظامی شاه بخراسان آگاه باشد با هزینه نظامی این مأموریت مخالفت می‌کند. شاه، ناگزیر با پول بانک شاهی ولی با دلی پر از مستشار آمریکایی بسوی خراسان می‌رود.

این جاست که نصرت الدوله ضربه کاری خود را نزد شاه بردکتر وارد می‌سازد، وجود او را مخمل کار میدانند.

ولی باید دانست که این خود نصرت الدوله بود که در سال ۱۳۰۱ در استخدام دکتر نقش فعال داشت؛ البته آن روزها که قدرت در حال میمان بود در برابر همسایه شمال لازم بنظر می‌رسید امریکائیان را وارد میدان کنند از اینرو وی استخدام دکتر میلسپو را در پارلمان ایران يك (رفرم جدید در مالیه آیر نا) می‌دانست و گویا بخاطر این دودوزه بازی کردن فیروز بود که عشقی میسراید:

شهرزاده فیروز آن . . . خائن

هم سینه‌کرزن بدو هم فکر ددر بود

ولی حال نه تنها وجود میلسپو لازم نیست بلکه با این مزاحمت‌زیا نبخش نیز هست دولت‌هزار بودجه و کار سری و نظامی دارد که با تفتیش يك امریکایی جور در نمی‌آید و انگهی خود یاران سه گانه هزار خرج و سفند دارند که باید بی رؤیت امریکائیان جریان یابد.

استاد سخن مرحوم وحید دستگردی مدیر مجله ارمغان در معرفی نصرت الدوله فیروز قصیده‌ای میسراید و طی آن چنین می‌گوید:

دو وطنخواه !!

دی مرا ساده دل رفیقی گفت	در وطن دوستی دوتن سمرند (۱)
نصرت الدوله و . . . زاده	که خطر بسکه دیده بی‌خطرند
هر دو بر لیلی وطن مجنون	هر دو بر حضم مملکت شردند . . .

۱- سمر- مشهور

گفتم ای ساده این دو نقش عجیب هر دو بر چشم معسرفت تیرند
 هر دو بر فسرفی معدلت تیرند هوجی و بیسواد و نا زیبا
 نقش پرداز خیر و نقش شرند زشت خوی و شریر و بد گهرند...
 این گدایان تو خود بگو ز کجا نه خداوند گار صنعت و کسب
 نه درو پیشه و نه خرمن کوب نه برای ذات از هنر عاری
 نه کرایه کش و نه پیله ورنه روز غسارت طسلایه هنرند
 متحرک به حرکت اغیار پیش بیگانه رو به ماده
 در بر خویش همچو شیر نرند گاه اندر اروپ و گاه ایران
 در ره عیش و نوش رهسپرند عهدهم مهوشان سیم انسدان
 همسر لمبتان مه سپرند لیبره بازان آس و شطر نچند
 دست بازان زلف سیم برند شب ترانه نیوش و باد کسار
 روزانده گسار بسر بشرند نه برای وطن سرشک افشان
 نه بر اهل وطن به مویه درند با چنین ملتی که چون من و تو
 از حدود و حقوق بی خبرند جز وطن خواهی از برای فروش
 کار دیگر اگر کنند خرند سیم و زر از کجا بیند و زند
 چه کنند از غم وطن نخورند...

خواجه نوری در ایجاد این وسوسه بوسیله نصرت الدوله در تیمورتاش
 و زمینه سازی برای طرد دکتر میلیسپو می نویسد : (اگر تشکیلات قسمتهای
 مختلف ایران را بمنحصص رجوع کنند و سازمان کشور طوری بشود که هر
 جراحی مثل ساعت وظیفه خود را انجام دهد دیگر کسی می شود در هر سوراخی
 اعمال نفوذ کرد يك نمونه برای اثبات این موضوع کافی است و آن وجود يك
 نفر متخصص امریکائی است در مالیه به بین بطور نخ سرکیسه را بدست گرفته
 مو را از ماست می کشد اگر او برود مالیه هم بی حساب بدست خودمان می افتد
 و دیگر حواله ما و دستوراتمان در تصویب این دکتر میلیسپو امریکائی گیر
 نمی افتد رشنه مادی جان کشور بسته به صندوق پول است و کلیدش هم بدست يك
 متخصص بیگانه ایست که نه اعتنائی بسوابق ما دارد و نه برایمان تره خورد
 می کند .

بنا بر این تا 'وهست ما هر گر قدرت حقیقی را بدست نخواهیم آورد
 چون هر امری بی پول برمی خورد و پول هم پیش اوست.

خلاصه نصرت الدوله بطوری وسوسه کرد که بالاخره متخصص بسیار مفید خدمت گزار ایران یعنی دکتر میلیسپو را از ایران راندند یعنی با تیر خود خواهی ستون بنای اقتصادی این کشور فقیر را که تازه داشت بر روی اصول تخصصی بالامی رفت از پادر آوردند و باز بل بشو در مالیه حکم فرما شد و خورده خورده با تشکیلات من در آوردی هر یک از وزراء و یا مالیاتهای غیر متناسب ثروت فنا کن و با مخارج هنگفت بلهوسانه خالی از سود آخرین رمق این ملت دنجسیده کشیده شد . در نتیجه به این روز افتاد که می بینیم. (۱)

یکی از کسانی که در مجلس بدفاع از دکتر و مخالفت با نصرت الدوله قیام کرد دکتر مصدق بود که با دلایل متقن وجود و خدمات او را شرح داد ... کاظم اتحاد مدیر روزنامه اتحاد که در این موقع نماینده مجلس بوده در یادداشت های خود بعنوان «تاریخچه مستشاران امریکائی» در معرفی محرم زوار نماینده مجلس که بدکتر میلیسپو حمله می کند چنین می نویسد: «تردید نبود که این نطق بتحریر نصرت الدوله وزیر مالیه ایراد شده بود زیرا مشاورالیه داوطلب شده بود میلیسپو را از کار خارج نماید» .

با این نقشه حضرت والا مدافع سرسخت سابق میلیسپو ، میسیون مالی امریکائی را که در این سفر واقعاً خوب کار کرده ما را از بحران مالی نجات داده خزانه تهی را پر کرده بودند و موقع رفتن از ایران یکصد و هفتاد و شش میلیون ریال وجه تحویل ما دادند (با پشت هم اندازی و دسته بندی اخسراج کرد (۲)

اینچنین موی دماغ سازمان مالی از حدود قلمرو حکومت مثلث دور شد و دست گردانندگان قدرت برای هر گونه عمل بازگردید ولی همانطوری که اشاره شد در هیچ سازمان برابری کامل در نبوغ و استعداد نیست بهتراست در این جانیز بیررسی پیردازیم تا مملو شود از اعضاء حکومت مثلث کداه یک نفر منتکر و نقشه کش اصلی بود .

۱- بازیگران عصر طلایی صفحه ۷۳

۲- مجله خواندنیها شماره ۴۸۶ و ... تیرماه ۱۳۲۸ و ...



نخست وزیر حضرت والا

نصرت الدوله درآلوده ساختن رجال و روشنفکران و سوق آنان بطرف (ابزار کار) نقش حساسی داشت . او بود که داور و تیمور تاش را کمسراه کرد .

او در آغاز بازگشت از اروپا بسال ۱۲۹۶ خ . مجله‌یی بنام (علمی) درست کرد گروهی از روشنفکران خوشنام را برای اغوای نسل نو آنروز به دام انداخت ولی همکاران او بزودی از روابط غیرطبیعی و نوکرمانه او با سفارت انگلیس و جرج چرچیل آگاه و ناگزیر برای خنثی کردن کار او مجله را تعطیل و سپس منحل کردند.

بنا بنوشته میرزا یحیی دولت آبادی ، فیروز نظر تیمور تاش را با این برنامه موافق میکند که از خود خواهی و ریاست طلبی مخبرالسلطنه استفاده نمایند بعنوان نخست وزیر اسمی او را سرکار بیاورند ، ولی کارگردان صحنه سیاست خود باشند . قرار و معامله سیاسی آنسان بسا مخبرالسلطنه چنین می‌شود :

(نام ریاست وزراء با مخبرالسلطنه باشد ولی کارش با نصرت الدوله و تیمور تاش ۱).

نتیجه این عمل و تضعیف کابینه آن می‌شود وقتی به درگساهی رئیس شهربانی دستور داده میشود نصرت الدوله را بازداشت نمایند وی بسی مراجعه بهتحت وزیر ، عضو کابینه مخبرالسلطنه و درواقع رئیس کابینه هدایت را زندانی میکنند و به محاکمه میکشند .

فیروز در کنار رشا شاه برقله قدرت رسیده بود برصدر این‌قله بکنفر بیشتر نمیتوانست قرار گیرد: در فیروز این انصاف و مردانگی و حفظ مپانی اخلاقی نبود که سباسبگذار رضا شاه باشد با چشم پوشی از ناروژدن ، به او بعنوان یک همکار صدیق بکار پردازد.

و شاید بقول گریهی دیدند رضا شاه اهل پانیک و معامله نیست که بتواند از او استفاده کنند ، بنا براین اگر نصرت الدوله در رأس حکومت قوی ایران قرار گیرد با دست عاقد قرار داد ۱۹۱۹ عضو کمیته آهن مستر هیک ، عضو کمیته زرگنده کودتا ، دارنده مدالهای خدمتگزاری به

۱- تاریخ عصر معاصر با حیات یحیی جلد ۱ صفحه ۳۹۲



بریتانیا بهتر می‌توان اسب قدرت را در میدان مطامع به جولان درآورد.
 فارس مستعدترین منطقه نفوذ ارباب است؛ مگر نه این است که فرمانفرما
 در آن جا چه بر سر مردم آورد سالار حشمت قشقائی همان کسی بود کسی بدست
 پدر نصرت الدوله حلقه غلامی ارباب را بگوش کرد.
 کمپانی خیانت ارباب در یکی از شبها در محل قابل اعتماد با حضور
 (فیروز ، سارم الدوله ، قوام الملک ، سالار حشمت قشقائی) ، تشکیل
 شد ...

سر لشکر محمد حسین فیروز فرمانده قوای ژاندارمری جنوب صادم الدوله
 استاندار فارس بود، قوام الملک و سالار حشمت نیز عهده دار ایلات گردیدند تا
 با یک کنتر کودتا به جای رضا شاه بنشینند . طرح نقشه نصرت الدوله
 بود ...

درست است تمام اینان از اعمال ارباب هستند ولی باید خود ارباب نیز از
 نزدیک رهبری کنند.

هیأتی بنام (مظالمات ارضی) بریاست مستر لانس راه کوههای فارس را
 پیش گرفت با این مستمسک جاسوسان انگلیسی در نقاط مورد نظر پراکنده
 شدند

نصرت الدوله در تهران گوش بزنگه بود که زمام امور کشور را
 بدست گیرد .

ولی در شب عاشورا (۱۸ خرداد ۱۳۰۸) وقتی پادشاه از تکیه دولت خارج
 میشد و دوش بدوش شاه را میرفت در گاهی او را از شاه جدا کرد و با
 خود برد .

حبل الممتین در اینبار مینویسد : (مرتکبین غائله جنوب که تاکنون
 ظاهر شده برخی از آنان هم گرفتار آمده‌اند همان دستهای جنایت کارانی بود
 که همه بطرفداری و جاسوسی معروف بسوده مثل فیروز میرزا و برادرش
 محمد حسین میرزا فرزندان خلف فرمانفرما که بطرفداری انگلستان شهرت
 داشته و عملیات آنها نیز تا امروز نموده است که در راه دولت انگلیس جزا بپول
 از همه چیز گذشته اند (۱)

۱- حبل الممتین شماره ۳۰ و ۳۱-۸ مرداد ۱۳۰۸ (۳۰ ژوئیه

۱۹۲۹)

کشف این کودتا رضاشاه را ناراحت کرد انگلستان دید نه تنها کاری صورت نگرفت بلکه این عمل دارد به اساس روابط پیشین او و ایران لطمه وارد میسازد. بنا بر این مقامات بریتانیا بنا شتاب به حثی کردن اثرات آن پرداختند.

موضوع کودتا در مجلس عوام انگلستان مطرح شد و دولت انگلستان این خبر را شایعه پی پیش ندانست و آن را تکذیب کرد.

گروهی معتقدند نظر اصلی سیمرغ ایجاد کودتا بمعنای اصلی خود نبود، منظور یکنوع تظاهر سیاسی و نظامی بود، تا از آن در استحکام نفوذ خود در منطقه خلیج فارس استفاده کند.

در اینروزها مسئله امنیت خلیج فارس و موقعیت بعضی پایگاههای دریایی نظیر بحرین در جامعه ملل مطرح بود بمنوان يك گام در راه نفوذ بیشتر در بحرین از مسافران ایرانی گذرنامه می طلبیدند ایران بدین عمل سخت اعتراض کرده بود و انگهی بدستور شاه سنارشش رزمناو به کشور ایتالیا داده بودند مجموع اینان سیمرغ را نگران کرده بود.

بنا بر این بمنوان ناز شصت این تظاهر ضد مرکزیت را در فارس برآوردند. rouzaneha.com rouzaneha.org

ولی انعکاسات داخلی این واقعه نوع دیگر بود، بهتر است در این باره قلم بدست روز نامه اطلاعات بدهیم. مسعودی تنها روز نامه نویس خبری منظم عصرانه علت سقوط نصرت الدوله و اخراج او را از کابینه چنین مینویسد:

در جلسه ۲۶ اسفند مرحوم داور وزیر عدلیه لایحه ای به مجلس تقدیم کرد بتصویب رسید از این قرار نظر باصل ۲۵ و ۶۹ و ۷۰ متمم قانون اساسی و نظر بقانون محاکمه وزراء نظر بر ابرت پار که دیوان جزا وزارت عدلیه تقاضا می کند که آقای فیروز میرزا وزیر مالیه سابق بمناسبت ارتشاه مورد تعقیب و اذیت گردد

خلاصه راپرت مرحوم کاظم صدر مدعی العموم این بود که در ضمن تعقیب دوسیه انبار غله اطلاع حاصل شد که اداره انبار در سال ۱۳۰۷ قراردادی با ارباب علی آقا یزدی منعقد نموده است باین مضمون که ارباب متعهد می شود. پانصد خروار جنس از قراء املاک حومه شهر تهران مطابق نرخ



معینہ بادارہ ارزاق بفروشد در مقابل اداره سه هزار تومان نقداً بطورمساعده بمشارالیه پرداخته در حمل جنس نیز باو کمک میتايد اداره تأمینات درصدد جستجوی اصل قرارداد برآمده پس از تحقیقات از اداره انبار معلوم شد که اولاً قرارداد برای ۲۵۰ خروار بوده و بعداً آنرا پانصد خروار نموده‌اند . ثانیاً قرارداد را محرمانه بسته‌اند ثالثاً آقای فیروز میرزا در ذیل آن دستور اجرا داده است.

پس از تحقیقات گفته می‌شود ، که مبلغ پنجهزار تومان تحت عنوان تحویل جنس ولی در حقیقت با آقای نصرت‌الدوله فیروز بابت رشوه داده شد که حسن آقای عهدوی فرزند مرحوم امین‌الضرب برای رفع توقیف املاک خود این مبلغ را به آقای نصرت الدوله باین وسیله و عنوان داده است. درجای دیگر عهدوی در حضور چند نفر صریحاً گفته است که جنس تحویل شده بابت شانزده هزار تومان است که آقای نصرت‌الدوله برای رفع توقیف املاک عن دریافت داشته و معامله ارباب علی آقا صوری بوده است ، و باز متذکر می‌شود که تعقیب و کشف موضوع در زمان تصدی در گاهی بود روزی که سررئیپ در گاهی رئیس نظمیہ عأورد تعقیب نصرت‌الدوله می‌شود روزی بود که شاه فقید با وزیران خود در مجلس روضه خوانی تکیه دولت حضور داشت در یکی از روزهای ۱۳۰۸ هنوز مجلس روضه تمام نشده بود که اعلیحضرت برانرسول گراشانی علیه نصرت‌الدوله در گاهی را که در مجلس روضه حاضر بود ، مأعور کرد نصرت‌الدوله را تحت نظر بگیرد.

بین ایندو نثار شدیدی از سابق وجود بود علنش هم این بود که نصرت‌الدوله دست راست مرحوم تیمورتاش بود در گاهی میل داشت قدرت تیمورتاش را خورد کند باین جهت همین که این دستور از جانب شاه صادر می‌شود در گاهی فیروز را بخارج مجلس خوانده می‌گوید : تحت نظر من هستی بفرمائید در اتومبیل این واقعه در آن روز بسیار عجیب بود ابتداء او با بی‌اعتنائی تلقی کرده و بعد متوجه شد که خیر براستی وزیر نیست، يك زندانی بیش نمی‌باشد ...

در گاهی او را در اتومبیل گذاشته بخانه اش برد، تا وقتی محاکمه شروع شد،

نصرت‌الدوله وزیر دارائی کابینه مخبرالسلطنه (مؤدبتهای هدایت) بود

بدنیست برای شناخت نحوه تشکیل دولت و میزان اختیارات آنان نظر نخست وزیر را درباره وزیرش بخوانید : (علت رنجش شاه از نصرت الدوله به این فلطنت مملوم نشد حدس من این شد که باید ارتباط با سارم الدوله و قضا پای فارس داشته باشد (۱))

با اینکه پسر فرمانفرما در مرد آورد روستای شخصی خود تحت نظر بود باقتضای طبیعت عترب سفت بیکار نمی نشیند ، گویا بوسیله مستاجر فرانسوی منزلی (خانم کلاراک) با مطبوعات فرانسه ارتباط می باید پناهی بد گویی به دستگاه را می گذارد. (۲)

باعتراف سرتیپه مختاری رئیس شهر بانی وقت وی (باکلردار سفارت فرانسه در ایران بدسایس علیه رژیم ایران می پردازد (۳))
بر اثر گزارشات مختاری با بازداشت او موافقت می شود، اینچنین وی از مرد آورد به زندان می رود.

عباس اسکندری در دنیا له کتاب آرزو در شماره ۹۳ روزنامه سیاست و جود قسمت اول ادهانامه داستان چنین مینویسد:

نصرت الدوله اولین کسی بود از حکومت مثلث که از دایره بازیگران خارج شد محبوب و تبعید گردید، ولی از همه آنها فهمیده تر و قوی تر بود به همان دلیل بعد از آن که دو رفیق دیگر او جان سپردند او هنوز تلاش و تملقا و مبارزه می کرد

بالاخره بعد از حبس از تهران به سمنان انتقال داده شد و در آنجا چنانچه در دو سیمر بوطه مضبوط است، (۴) وی در آنجا از بین می رود

از وصیتنامه ها و اسنادی که در این روزها از فیروز باقیست وی خود را (بی تقصیر، بی گناه و مسموم صرف (۵)) معرفی می کند .

چگونه عامل کشتار آزادی خواهان در کرمان ، قاتل مفروضه طلبان بنام در سمنان ، عاقد قرا داد ۱۹۱۹ ، وطن فروش بنام جامه پیرانی ... خود را بیگناه و بی تقصیر حتی مسموم صرف می شمارد .

بهر حال نصرت الدوله در ۲۰ دیماه ۱۳۱۶ خ ، از بین می رود و از او يك دختر بنام لیلی و سه پسر بنامهای مظفر ، شاهرخ ، ایرج ، باقی میماند ...

۱- مجله خواندنی ها شماره مسلسل ۱۴۰- ۵ خرداد ۱۳۲۴

۲- خاطرات و خطرات صفحه ۹۲

۳ و ۴- کتاب از شهر یور ۱۳۲۰ تا فاجعه آذربایجان ص ۱۸۹

۵- rouzaneha.com rouzaneha.org